

## نمایی از سرمایه‌ی بزرگ و طبقه‌ی کارگر در ایران

دشمن را بشناسید و خود را هم بشناسید؛ در این صورت در صد نبرد نیز هرگز با خطری روبه‌رو نخواهید شد.

(هنر جنگ/سون تزو)

طبقه‌ی کارگر برای شناخت خود و پی‌ریزی راه‌رهایی از استثمارش ناگزیر از شناخت کل جامعه است و تا آن‌جا که کل جامعه و سازوکارهای آن و طبقات دیگر را بشناسد، خود را می‌شناسد و تا آن‌جا که خود را بشناسد می‌تواند مسیر رهایی طبقاتی‌اش را ترسیم کند.

\*\*\*

دوم بهمن ماه ۱۴۰۲ برای بیست و ششمین مرتبه، «همایش شرکت‌های برتر ایران» با حضور وزیر اقتصاد برگزار شد. وزیر اقتصاد در این همایش اظهار داشت که «با مرور شاخص‌های اقتصاد کلان در ۲ سال گذشته مشخص می‌شود که دشواری‌های داخلی و خارجی را در ۶ سال اخیر پشت سر گذاشته‌ایم». به نظر می‌رسد علی‌رغم قیل و قال‌های بسیاری که در رسانه‌ها و از زبان «صاحب‌نظران» می‌شنویم، اوضاع برای سرمایه‌داران بر وفق مراد است. وزیر اقتصاد در ادامه‌ی سخنرانی اعلام کرد «در سال گذشته متوسط رشد واقعی بخش صنعتی حدود ۴ تا ۵ درصد در نوسان بود اما میزان فروش شرکت‌های بزرگ حدود ۱۸ درصد رشد کرده است.» درست در زمانی که طبقه‌ی کارگر در سخت‌ترین شرایط معیشتی با کمترین میزان رشد دستمزد نسبت به تورم قرار دارد انگار در آن سوی جامعه دستاوردهای بزرگی برای سرمایه محقق شده است.

### رتبه‌بندی شرکت‌های برتر

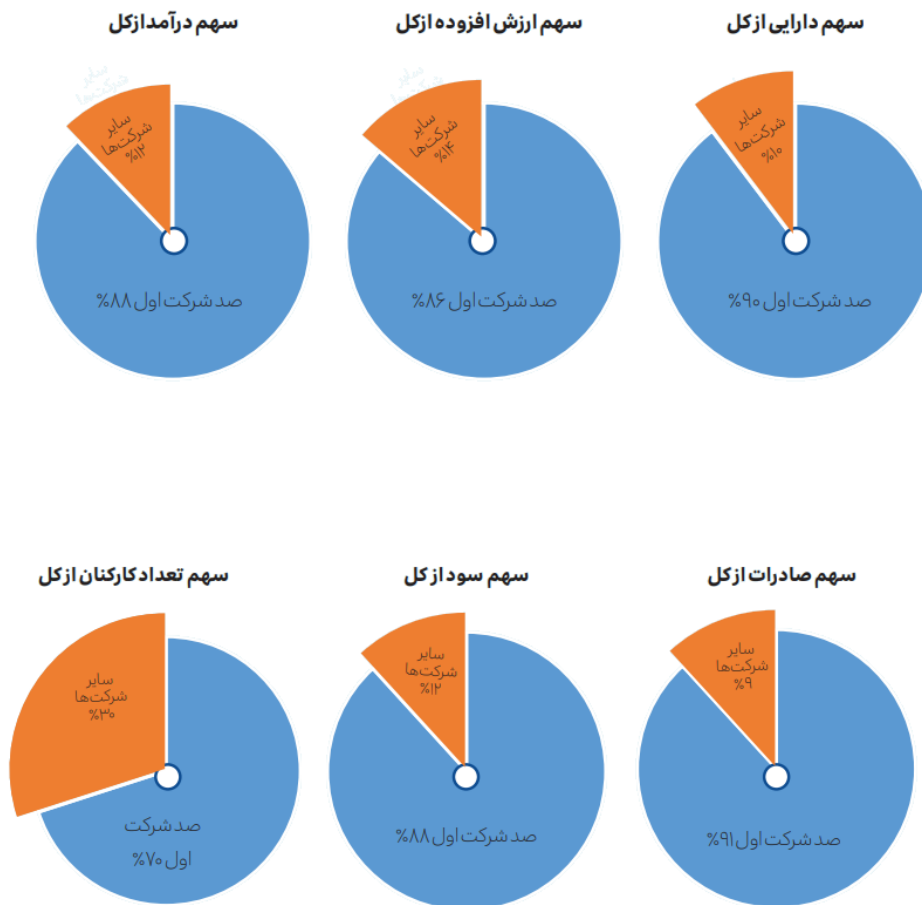
فورچون<sup>۱</sup> Fortune شهیرترین رتبه‌بندی شرکت‌های بزرگ در مقیاس جهانی و منطقه‌ای، الگویی برای کشورهای مختلف شده که بر اساس شاخص‌های مختلف رتبه‌بندی‌های ملی انجام دهند، اگرچه هم‌چنان مهم‌ترین شاخص رتبه‌بندی‌ها بالاترین میزان فروش است و سایر معیارها فرعی محسوب می‌شود. کشورهای آمریکا، چین، ترکیه، هندوستان و همچنین

---

<sup>۱</sup><https://fortune.com/>

اتحادیه‌ی اروپا مشهورترین رتبه‌بندی‌های شرکت‌های بزرگ خود را انجام می‌دهند و در ایران نیز به همین شیوه رتبه‌بندی و مقایسه با رقبای بین‌المللی صورت می‌گیرد.

سازمان مدیریت صنعتی ایران از سال ۱۳۷۷ مسئول طرح تعیین صد شرکت برتر ایران شد. رتبه‌بندی بر اساس ارزیابی صورت‌های مالی شرکت‌هایی است که در این طرح ثبت‌نام می‌کنند. از دید سازمان مدیریت صنعتی از آنجایی که این بنگاه‌های بزرگ اقتصادی اثرگذاری بیشتری بر روی اقتصاد دارند، هدف از این رتبه‌بندی استفاده‌ی دولت برای برنامه‌ریزی کلان است. البته به رسم فورچون چندین سال است عملاً رتبه‌بندی شامل پانصد شرکت نخست ایران است که در پنج گروه مجزا به ترتیب دسته‌بندی شده‌اند. برای شناخت مختصات بورژوازی ایران به‌عنوان دشمن طبقه‌ی کارگر و جهت ایجاد چشم‌انداز دقیق‌تری از توان استثمار بورژوازی در ایران مروری خواهیم داشت بر گزیده‌ای از آمار و اعداد به دست آمده از گزارش سال جاری که از نقطه‌نظر طبقه‌ی کارگر دارای اهمیت راهبردی در سازماندهی و مبارزه با سرمایه‌های بزرگ است. لازم به یادآوری است نیاز به بررسی سرمایه‌های کوچک نیز در سازماندهی طبقه‌ی کارگر جایگاه ویژه‌ای دارد ولی از آنجایی که کارگران در شرکت‌های بزرگ دارای بیشترین تعداد شاغل متخصص و با ثبات کاری هستند، سازماندهی طبقه‌ی کارگر در چنین شرکت‌هایی نتایج سازمانی پایدارتر و مستمرتری خواهد داشت.

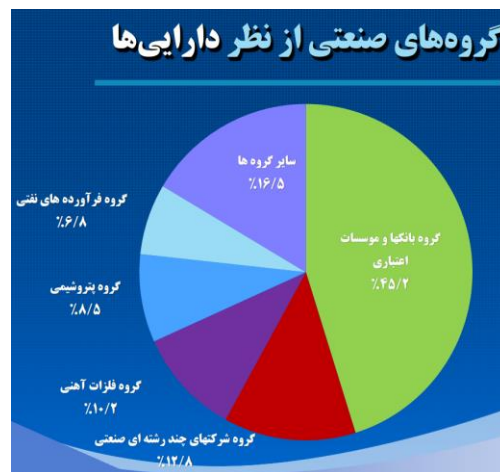
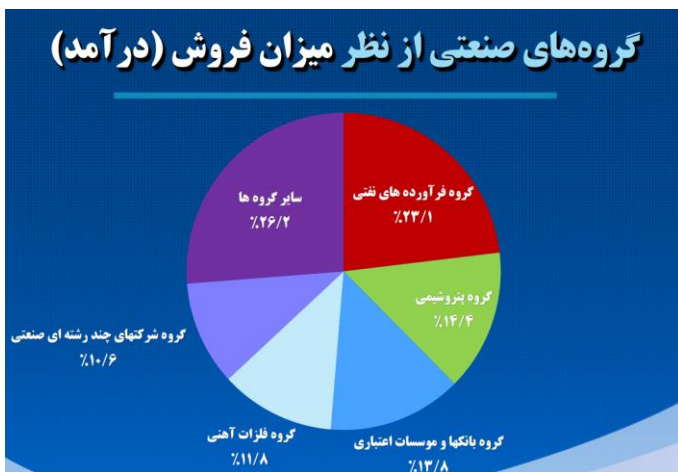


مطابق داده‌های بالا سهم صد شرکت اول میان پانصد شرکت در شاخص‌های مختلف به قدر کفایت واضح است و از سوی دیگر بیشتر شرکت‌های متوسط در سطوح فنی، مالی، زنجیره ارزش و ... وابسته به همین شرکت‌های بزرگ هستند و این نشان از درجه‌ی بالای تمرکز و تراکم سرمایه در ایران دارد.

میزان فروش صد شرکت نخست معادل ۴۲ درصد تولید ناخالص داخلی و در مجموع پانصد شرکت ۴۸ درصد تولید ناخالص داخلی کل کشور را دارند. تولید ناخالص داخلی به معنای مجموع تولید کل کالاها و خدمات در طول یک سال در کشور است. در مورد این که سرمایه در کدام بخش‌ها سودآوری را تشخیص می‌دهد و به سوی آن حرکت می‌کند و چه توزیعی در شاخه‌های مختلف دارد، الگوی یکسان جهانی وجود ندارد و بستگی به بازدهی و سودآوری شاخه‌های مختلف است ولی در جداول زیر تفاوت توزیع سرمایه در ایران و جهان و برخی از کشورها نشان داده شده است.

مقایسه گروه‌های صنعتی در چهار کشور (از نظر میزان فروش)		بیشترین سهم فروش در گروه‌های صنعتی ایران و فهرست فورچون	
کشور	سه گروه صنعتی اول	سهم (درصد)	پنج گروه اول فورچون
ایران	گروه فرآورده‌های نفتی	۱۷/۲	پنج گروه اول ایران
	گروه پتروشیمی	۱۶/۸	گروه فرآورده‌های نفتی
	گروه فلزات اساسی	۱۵/۷	گروه پتروشیمی
ترکیه	گروه فرآورده‌های نفتی (شامل نفت خام و گاز)	۱۴/۳	گروه فلزات اساسی
	گروه انرژی	۱۲/۷	گروه بانکها و موسسات اعتباری
	گروه فلزات اساسی	۸/۱	گروه وسایط نقلیه و قطعات خودرو
آمریکا	فروشگاه‌ها	۱۹/۵	گروه بانکها و موسسات اعتباری
	موسسات بیمه‌ای	۸/۴	گروه شرکتهای چندرشته‌ای صنعتی
	رایانه و فعالیت‌های وابسته	۷/۱	
هند	گروه بانکها و موسسات اعتباری	۱۸/۷	
	گروه فرآورده‌های نفتی	۱۸/۶	
	گروه واسطه‌گری مالی	۱۱/۹	

در جداول پایین نیز میزان توزیع دارایی و توزیع درآمدی گروه‌های مختلف در میان صد شرکت مشخص گردیده است. در سرمایه‌داری ایران به‌عنوان ساختاری تکامل‌یافته از مناسبات سرمایه‌دارانه، درهم‌تنیدگی بخش صنعتی، تجاری و مالی وجود دارد و تفکیک مذکور در عین حال همراه با وحدتی طبقاتی است و سرمایه‌های بزرگ در قالب بازار ملی ارزش اضافی استخراج شده از طبقه‌ی کارگر ایران را بازتقسیم می‌کنند. از اینجاست که سود بخش مالی یعنی بانک‌ها و موسسات اعتباری توسط سرمایه‌ی بهره‌آور از تولید و تجارت کالاها و خدمات حاصل شده است.



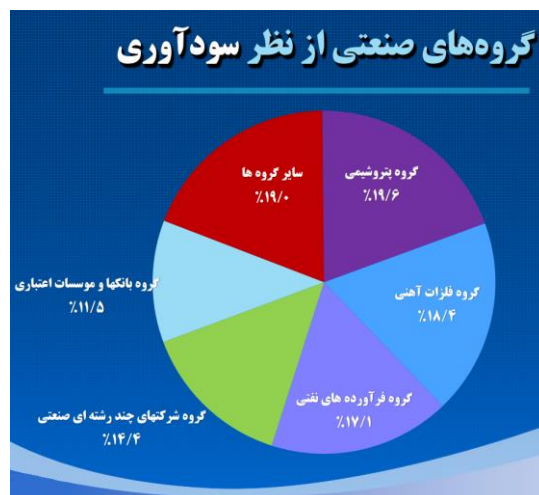
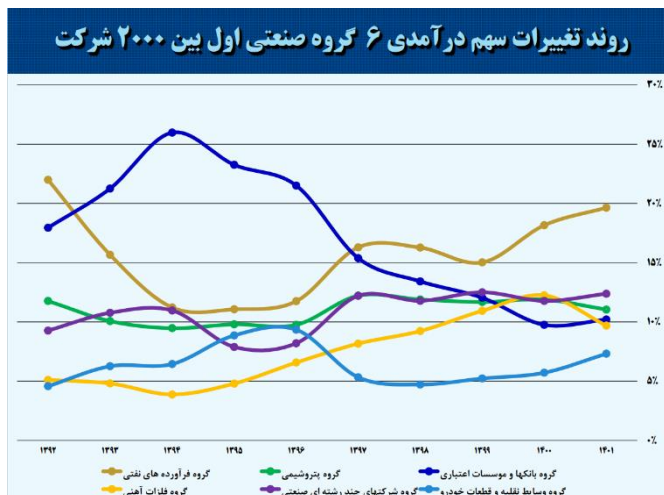
ارزش افزوده صد شرکت به نسبت تولید ناخالص داخلی سال گذشته ۱۱ درصد و پانصد شرکت ۱۳ درصد بوده است. مفهوم ارزش افزوده (Added value) به میزان افزوده‌ی قیمتی محصول در دفتر حسابداری اشاره دارد و با مفهوم ارزش اضافه (Surplus value) متفاوت است که منشاء آن کار اضافی پرداخت نشده طبقه‌ی کارگر است که توسط بورژوازی تصاحب شده است. اگر به آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت نگاه کنیم که طی ۱۰ سال (۱۳۹۳-۱۳۸۳)، سهم بنگاه‌های بزرگ (چهار درصد از کل شرکت‌ها) در ایجاد ارزش افزوده در حدود ۹۰ درصد بوده است، و این امر تاییدی است بر نقش سرمایه‌ی بزرگ در رشد وسیع اقتصادی دهه‌ی هشتاد. البته این فرایند تثبیت شده و در سال ۱۴۰۱، اقتصاد ایران ۴/۸ درصد رشد داشته که رشد واقعی ۵۰۰ شرکت برتر ۱۷/۸ درصد بوده است که نشان می‌دهد این شرکت‌ها به اصطلاح لوکوموتیو اقتصادی کنونی هستند.

### عملکرد ۵۰۰ شرکت برتر

شاخص	سال	۱۴۰۰	۱۴۰۱
رشد فروش ۵۰۰ شرکت (درصد)		۶۴/۷	۴۹/۵
رشد واقعی فروش ۵۰۰ شرکت (درصد)		۶/۷	۱۷/۸

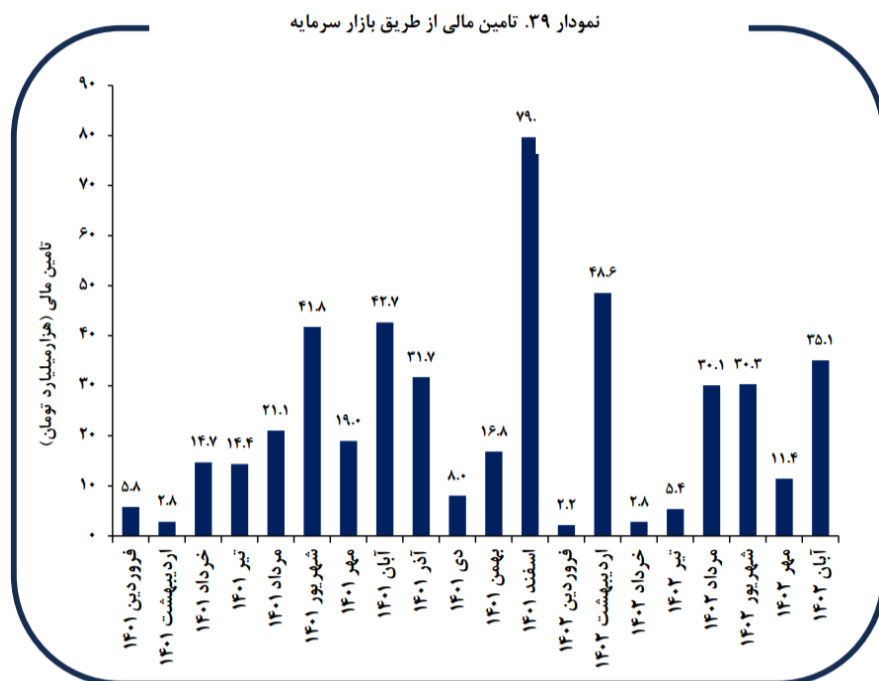
رشد واقعی فروش با استفاده از تورم بخشی محاسبه شده است.

بر اساس قاعده‌ی موازنه‌ی مستمر سرمایه‌ها در شاخه‌های مختلف صنایع، برابری نسبی سودآوری در شاخه‌های مختلف نیز مطابق ماهیت سرمایه‌داری مشخص است و هم‌سویی نسبی روند درآمدی شش گروه صنعتی اصلی تأییدی مجدد بر موضوع تقسیم سود سرمایه‌ها و کسب میانگین آن در قالب یک طبقه‌ی سرمایه‌دار در ایران در عین رقابت برای کسب سهم بیشتر از رقبا در شاخه‌های مختلف است.



قاعداً چرخه سرمایه به دروپیمایی و حضور هر سه وهلهی صنعتی، تجاری و مالی در اقتصاد سرمایه داری نیاز دارد. در یک اقتصاد سرمایه داری پیشرفته مانند ایران بخش مالی بر سایر بخش ها تفوق دارد و نه تنها کسب سود بیشتری خواهد داشت بلکه در هدایت و تصمیم گیری مسیر حرکت سرمایه و بازدهی بالاتر و ارزش افزایی فزون تر نقش اصلی تری را بر عهده دارد. یکی از تجلی های بخش مالی در بازار سهام و اوراق بهادار جهت تأمین مالی بخش های عینی اقتصادی به ویژه صنعتی است. گسترش این بازار در جذب و هدایت سرمایه ها و تمرکز انباشت تا حد بالایی به یکی از محمل های ثابت اقتصاد ایران تبدیل شده است.

در نمودار زیر مشاهده می شود که ماهانه هزاران میلیارد تومان نقدینگی به سوی بازار سرمایه هدایت می شوند و این جزء از کلیت اقتصاد سرمایه داری علی رغم نوسانات اقتصاد ایران در دهه ی اخیر به خوبی نقش خود را بر اساس الگوی فوق، انجام داده است



منبع: سازمان بورس و اوراق بهادار

## تجارت خارجی در اقتصاد ایران

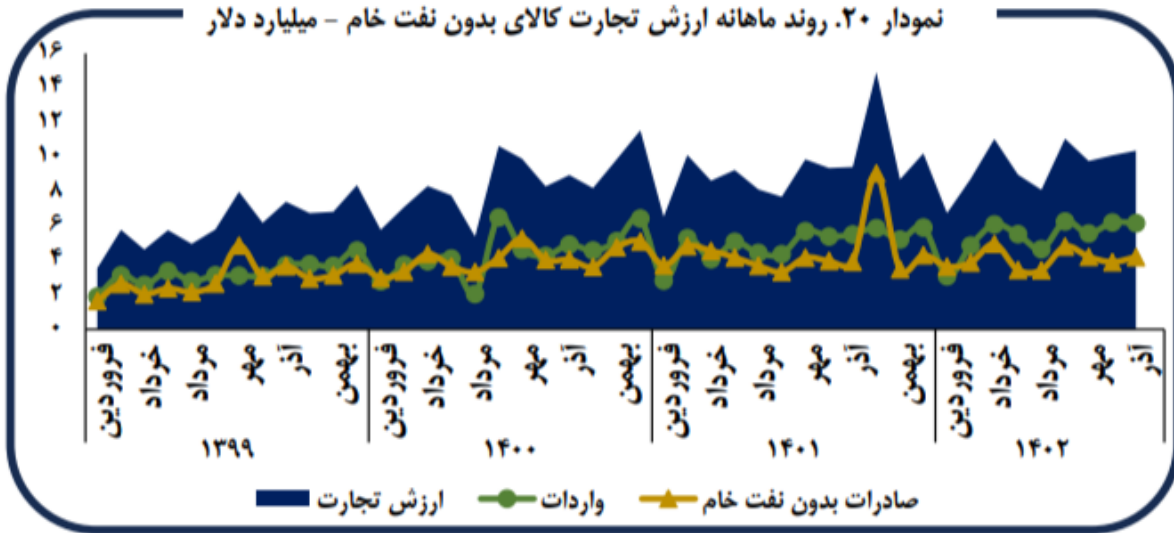
از آنجایی که اقتصاد ایران دارای استقلال نسبی بیشتری نسبت به کشورهای هم‌تراز (دارای میزان تولید ناخالص داخلی تقریباً هم‌سطح) خود است، بخش صنعتی در ایران بخش عمده‌ی کالاهای مصرفی را در داخل و بر پایه‌ی استثمار کارگر ایرانی تأمین می‌کند ولی در عین حال در دهه‌های اخیر بازارهای صادراتی برای کالاهای ارزان‌قیمت‌تر به نسبت رقبای بین‌المللی کسب کرده است و با تعرفه‌های گمرکی این فاصله‌گذاری از اقتصاد جهانی حفظ شده است.

در تقسیم کار جهانی نقش ایران به‌عنوان یکی از تأمین‌کنندگان مواد خام و نیمه‌خام شناخته شده است که بیش از همه نفت و گاز و محصولات معدنی مدنظر است. اما بخش بزرگ غیرنفتی مدت‌ها است که از صادرات نفت خام پیشی گرفته است و با توجه به توان صنعتی، به فراتر از بازارهای داخلی گسترش یافته است. از سوی دیگر واردات نیز به همان شیوه به نسبت کشورهای هم‌تراز پایین‌تر از میزان جهانی است که دو دسته از واردات بیش از همه شامل نهاده‌های خوراک انسان و دام از جمله برنج، گندم، جو، ذرت و ... و دسته‌ی دوم کالاهای سرمایه‌ای شامل ماشین‌آلات و قطعات مورد نیاز در صنایع است. فاصله‌ی اقتصادی ایران از سازوکار جهانی گردش سرمایه در دهه‌های اخیر به شدت کاهش یافته است و نقش پررنگ‌تری در مراودات اقتصادی ایفا کرده است.

میزان واردات و صادرات گمرکی غیرنفتی در چهار سال اخیر

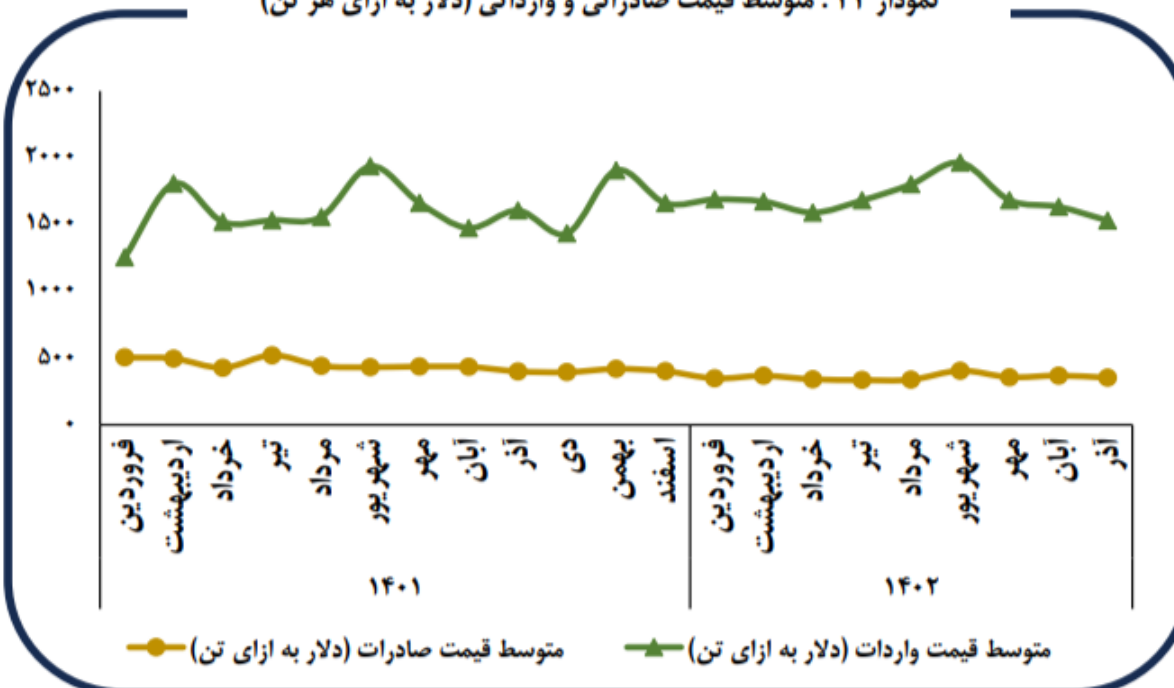
سال ۱۳۹۹		سال ۱۴۰۰		سال ۱۴۰۱		سال ۱۴۰۲		فعالیت
ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	
۳۸،۸۸۵	۳۳،۷۲۶	۵۲،۹۹۶	۴۱،۱۹۳	۶۰،۳۰۹	۳۷،۳۵۸	۶۶،۲۰۴	۳۹،۰۱۶	واردات
۳۴،۸۰۷	۱۱۳،۰۰۶	۴۸،۴۴۰	۱۲۲،۴۱۷	۵۴،۱۳۹	۱۲۴،۲۵۲	۴۹،۵۱۶	۱۳۶،۴۰۸	صادرات

نمودار ۲۰. روند ماهانه ارزش تجارت کالای بدون نفت خام - میلیارد دلار



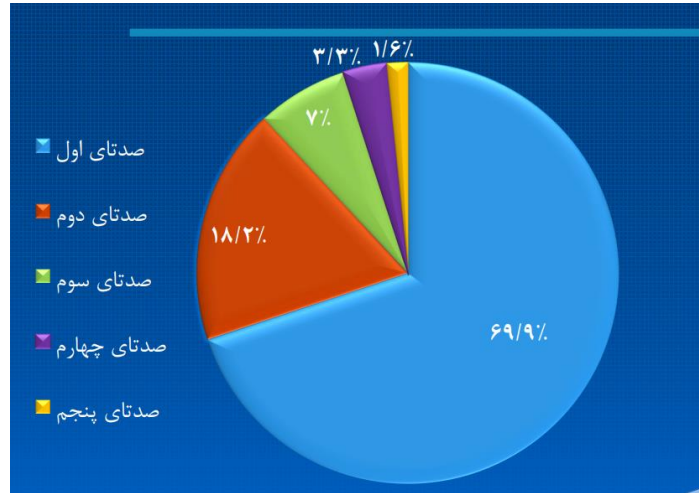
منبع: گمرک ج.ا.

نمودار ۲۲. متوسط قیمت صادراتی و وارداتی (دلار به ازای هر تن)



منبع: گمرک ج.ا.

## نیروی کار در اختیار سرمایه‌ی بزرگ



مطابق این نمودار نسبت اشتغال در پنج گروه شرکت‌های بزرگ مشخص است. بر اساس این داده‌ها اهمیت شرکت‌های بزرگ در تمرکز نیروی کار را مشاهده می‌کنید. در نتیجه، با توجه به جدول زیر، اگرچه صنایع بزرگ از نظر عددی چهار درصد شرکت‌های ایران را شامل می‌شوند ولی حدود نیمی از نیروی کار را به استخدام خود درآورده‌اند. از اینجا مشخص می‌گردد که تمرکز نیروی کار و تمرکز سرمایه‌ی تشدیدکننده‌ی یکدیگر هستند.

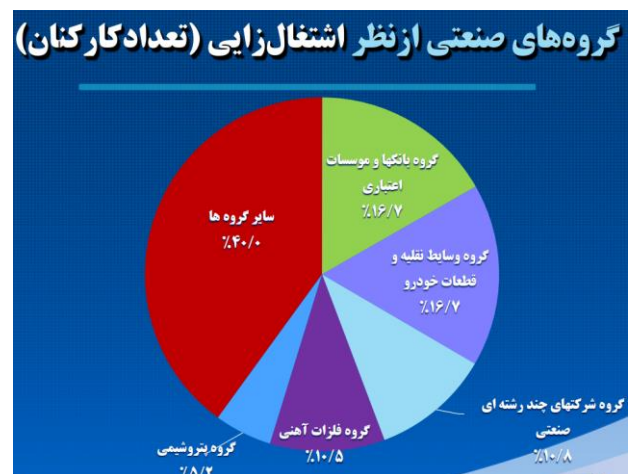
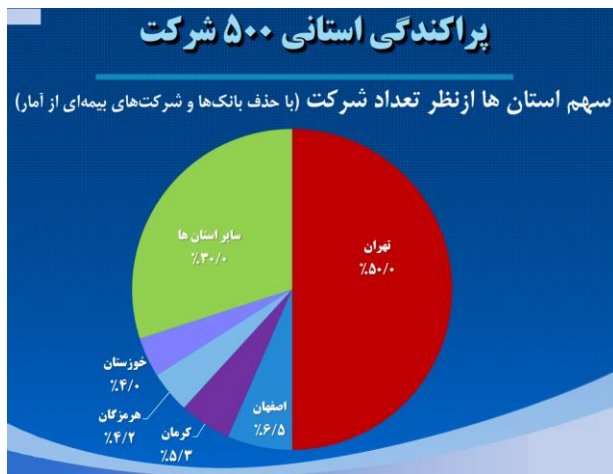
★ مطابق آخرین آمار موجود، صنایع بزرگ ۴۷ درصد اشتغال را ایجاد کرده‌اند.

صنایع	تعداد (درصد)	اشتغال (درصد)
صنایع کوچک (تا ۴۹ نفر کارکن)	۹۱	۴۱
صنایع متوسط (۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن)	۵	۱۲
صنایع بزرگ (بالای ۱۰۰ نفر کارکن)	۴	۴۷

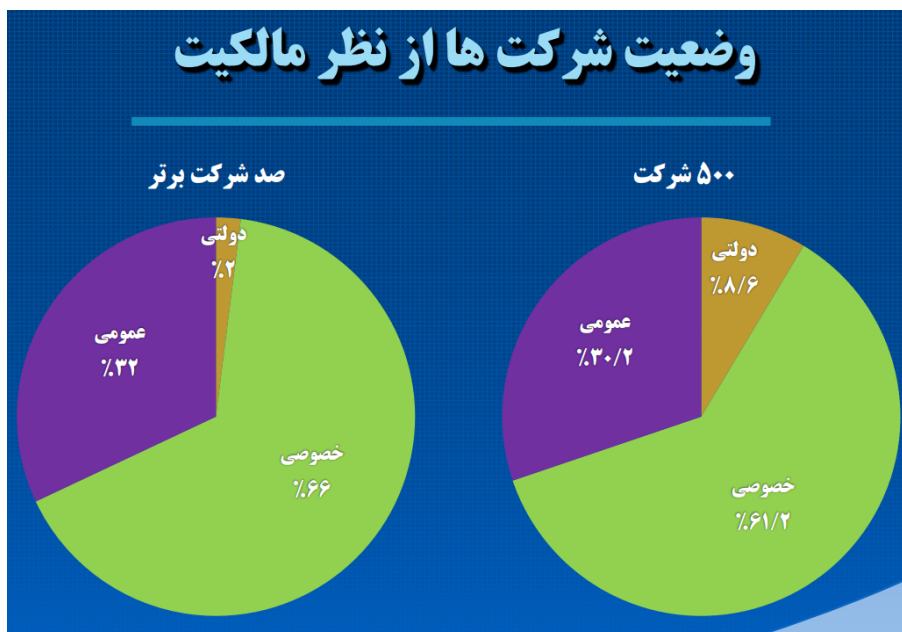
منبع: وزارت صنعت، معدن و تجارت، (۱۳۹۵).

پراکندگی نیروی کار ایران در صنایع نشان‌دهنده‌ی این نکته است که صنایع بزرگ که نیمی از نیروی کار را استنمار می‌کند، نسبت شغلی پایدارتری با کارگران دارد و از سوی دیگر در صنایع کوچک که امنیت شغلی و بی‌ثباتی کار وجود دارد بخش کوچک‌تری از ارزش اضافی تولید شده و غالباً در حوزه‌ی تحقق ارزش و بازتولید آموزشی و درمانی نیروی کار فعال هستند. پراکندگی نیروی کار در صنایع مختلف و در استان‌ها نیز در نمودارهای پایین قابل مشاهده است.





از آنجایی که ترکیب طبقاتی نیروی کار در این آمارها یک دست نیست، بخش بزرگی از این اشتغال شامل طبقه ی کارگر مولد و بخش کوچک تر آن کارگران نامولد است و نهایتاً اقلیتی را نیز مدیران میانی و بالادست را شامل می شود که طبقه ی متوسط جدید به حساب می آیند. در خصوص پراکندگی نیروی کار در سطح کشور نیز، از تصاویر فوق آشکار می شود که نیمی از نیروی کار شرکت های بزرگ در استان تهران متمرکز است و مطابق اعلام سازمان امور مالیاتی کل کشور نیمی از مالیات کل کشور را نیز پرداخت می کند و بر اساس برآوردهای اعلامی مجلس، همراه با اتباع جمعیتی بیش از ۱۹ میلیون نفر را در خود جا داده است؛ یعنی یک سوم جمعیت شهرنشین کل کشور و این همه اثباتی بر تمرکز شدید سرمایه و نیروی کار در استان تهران است.



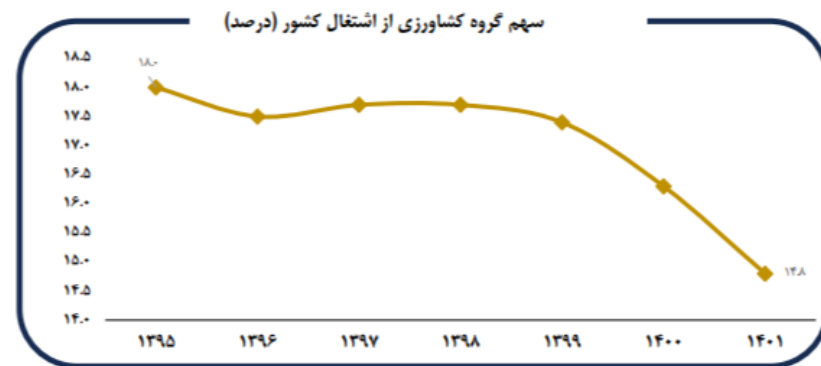
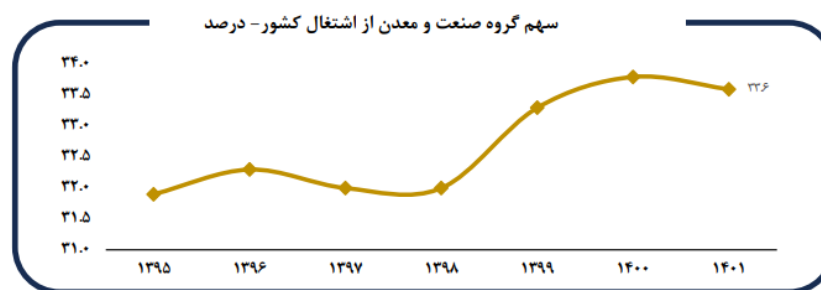
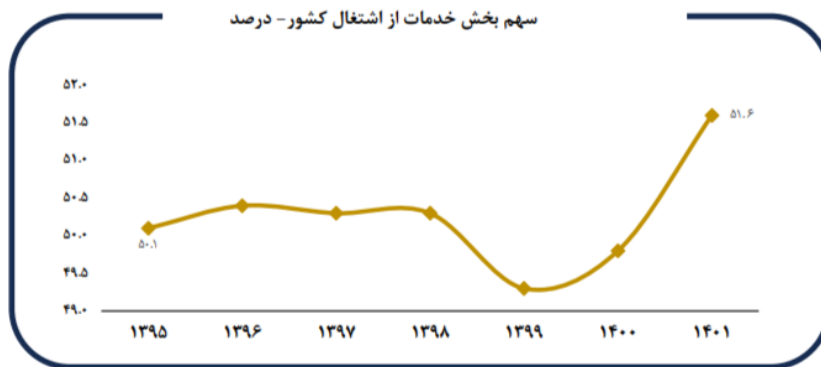
سهام ابرشرکت ها در اقتصاد ایران چشم گیر است و این شرکت ها از نظر نوع مالکیت در سه گروه قرار می گیرند که اقلیت کوچکی کمتر از ده درصد از آنان دولتی است که در میان شرکت های متوسط و کوچک خارج از پانصد شرکت چنین مالکیتی

وجود ندارد. شرکت‌های بخش خصوصی تقریباً شامل دو سوم شرکت‌های بزرگ است و با توجه به اینکه قریب به اتفاق شرکت‌های متوسط و کوچک خصوصی هستند، لذا در مجموع شرکت‌های خصوصی کشور بیش از ۹۰ درصد نقش اقتصادی را بر عهده دارند. آنچه بخش عمومی نامیده می‌شود و حدود یک سوم پانصد شرکت را در بر می‌گیرد، شامل آن قسمتی از شرکت‌های سهامی عام است که بخشی از آن در بورس در اختیار سهامداران حقیقی و حقوقی قرار دارد و یا بخشی از آن سهم شرکت‌های بزرگ شبه‌دولتی مانند تأمین اجتماعی (شستا و صندوق‌های بازنشستگی که مالک واقعی آنان کارگران هستند و در واقع از حاصل بیمه‌ی تأمین اجتماعی پرداختی کارگران است.) و نهادهای نظامی (وابسته به سپاه، ارتش و بسیج) یا حاکمیتی (بنیادهای مستضعفین، برکت، فرمان امام، آستان قدس و ...) است. اگرچه در برخی تحلیل‌ها نقش چشم‌گیری برای چنین انحصاراتی در نظر گرفته شده است و در سیاست‌گذاری‌ها وزنه را به سوی منافع خود کج می‌کنند ولی در مجموع بزرگ‌نمایی ایدئولوژیک و رسانه‌ای در خصوص آن‌ها بیش از نقش واقعی‌ای که در اقتصاد دارند صورت گرفته است.

در زیر نیز جداول پراکندگی نیروی کار در حیطه‌های کلان اقتصاد، یعنی کشاورزی و صنعتی و خدمات و در استان‌های مختلف کشور نشان داده شده است. همان‌طور که می‌بینیم ظرفیت پیش‌برد مبارزه‌ی طبقاتی در کل کشور ساری و جاری است و این به عزم پیش‌روان طبقه‌ی کارگر بستگی دارد تا با تدوین راه و برنامه‌ی مشخص با اراده و انگیزه‌ی بالا دست به متحد کردن طبقه‌ی کارگر و متحدین فرودستش در همه جای کشور بزنند، چرا که ظرفیت مادی برای این مبارزه کاملاً موجود است و با توجه به آن چه که تا این‌جا نوشته و بر اساس آمار و داده‌ها و اطلاعات و تحلیل آن‌ها مشخص شده است، در شرایط فعلی شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری با درجه‌ی تمرکز بالای سرمایه و کار، در ایران حاکم است.

پس آن‌چه که واضح است این‌که انواع و اقسام سستی و از زیر بار عمل در رفتن‌هایی، که با ارایه‌ی دلایلی مبنی بر عدم انکشاف سرمایه‌داری در ایران یا دولتی بودن سرمایه در ایران یا عدم وجود طبقه‌ی کارگر در ایران، دیده می‌شود به تمامی بی‌پایه و اساس بوده و اوهامی هستند که مبتنی بر نگرش‌های راست و ضدکارگری و عمدتاً دموکراسی‌خواهانه ساخته و پرداخته می‌شوند و هدفشان این است که طبقه‌ی کارگر و متحدین فرودستش و مبارزان کارگری را دنبال‌چهی جنبش‌های دموکراسی‌خواهانه‌ی طبقات دیگر تبدیل کند و از پیش‌برد امر طبقه‌ی کارگر و تبدیل شدنش به یک طبقه‌ی آگاه و مبارز و یک نیروی سیاسی قاطع و تعیین‌کننده در سطح جامعه باز بدارد.

واقعیت دلایل کافی و متقن در اختیار پیش‌روان طبقه‌ی کارگر قرار داده است که اسیر نگره‌های طبقات دیگر نشوند و در مسیر انکشاف مبارزه‌ی طبقاتی و عقب‌راندن نگره‌های ضدکارگری گام بردارند.



منبع: مرکز آمار ایران

سهم اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر به تفکیک استان در سال‌های ۱۴۰۱-۱۴۰۲

استان	کشاورزی		صنعت		خدمات	
	سال ۱۴۰۲	سال ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۲	سال ۱۴۰۱	سال ۱۴۰۲	سال ۱۴۰۱
کل کشور	۱۴.۴	۱۴.۸	۳۳.۷	۳۳.۶	۵۱.۹	۵۱.۶
آذربایجان شرقی	۱۶.۰	۱۶.۳	۴۰.۹	۴۰.۹	۴۳.۰	۴۲.۷
آذربایجان غربی	۲۶.۶	۲۷.۱	۲۴.۳	۲۴.۷	۴۹.۱	۴۸.۳
اردبیل	۲۶.۳	۲۹.۶	۲۷.۰	۲۴.۹	۴۶.۷	۴۵.۵
اصفهان	۷.۸	۸.۴	۴۰.۹	۴۱.۴	۵۱.۱	۵۰
البرز	۲.۵	۳.۲	۴۴.۳	۴۲.۱	۵۳.۲	۵۴.۷
ایلام	۱۷.۱	۱۹.۴	۳۲.۵	۳۲.۸	۵۰.۵	۴۷.۸
بوشهر	۱۰.۴	۱۱.۴	۲۶.۹	۲۶.۰	۶۲.۷	۶۲.۶
تهران	۱.۷	۱.۹	۳۵.۸	۳۵.۰	۶۲.۵	۶۳.۱
چهارمحال و بختیاری	۱۳.۰	۱۳.۷	۳۹.۴	۴۰.۵	۴۷.۶	۴۵.۸
خراسان جنوبی	۱۸.۰	۱۹.۶	۳۵.۰	۳۳.۳	۴۷.۰	۴۷.۰
خراسان رضوی	۱۵.۱	۱۷.۰	۳۴.۵	۳۵.۱	۵۰.۵	۴۷.۹
خراسان شمالی	۳۰.۴	۳۱.۴	۲۹.۸	۲۸.۲	۳۹.۸	۴۰.۴
خوزستان	۱۴.۶	۱۴.۶	۳۴.۱	۳۴.۳	۵۱.۳	۵۱.۲
زنجان	۲۲.۹	۲۵.۴	۳۴.۹	۳۳.۶	۴۲.۲	۴۱.۰
سمنان	۱۱.۹	۱۲.۶	۳۸.۲	۳۷.۶	۴۹.۸	۴۹.۸
سیستان و بلوچستان	۱۳.۷	۱۳.۹	۳۶.۵	۳۷.۰	۴۹.۸	۴۹.۱
فارس	۱۵.۴	۱۵.۷	۲۹.۷	۲۹.۹	۵۴.۹	۵۴.۴
قزوین	۱۳.۹	۱۵.۵	۳۹.۳	۳۹.۳	۴۶.۷	۴۵.۲
قم	۳.۱	۳.۷	۴۳.۷	۴۴.۰	۵۲.۴	۵۱.۸
کردستان	۲۰.۶	۲۰.۷	۲۷.۷	۲۷.۱	۵۱.۷	۵۲.۲
کرمان	۳۹.۷	۳۸.۶	۲۲.۷	۲۲.۶	۳۷.۶	۳۸.۸
کرمانشاه	۲۳.۴	۲۰.۹	۲۳.۷	۲۵.۶	۵۲.۹	۵۳.۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱۲.۸	۱۴.۰	۳۸.۲	۳۵.۴	۴۹.۰	۵۰.۷
گلستان	۱۹.۶	۲۱.۴	۲۷.۷	۲۸.۷	۵۲.۷	۴۹.۹
گیلان	۲۱.۲	۲۰.۸	۲۶.۸	۲۷.۳	۵۲.۰	۵۱.۹
لرستان	۲۳.۰	۲۲.۴	۲۷.۳	۲۷.۱	۴۹.۸	۵۰.۵
مازندران	۱۷.۲	۱۷.۱	۲۹.۲	۳۰.۱	۵۳.۶	۵۲.۸
مرکزی	۱۲.۷	۱۴.۵	۴۵.۰	۴۴.۸	۴۲.۳	۴۰.۷
هرمزگان	۱۸.۳	۱۷.۷	۳۰.۳	۳۰.۵	۵۱.۴	۵۱.۸
همدان	۲۴.۴	۲۳.۴	۲۹.۰	۲۹.۷	۴۶.۶	۴۶.۹
یزد	۷.۵	۷.۱	۴۶.۷	۴۴.۶	۴۵.۸	۴۸.۲

## نیروی کار در جهان

طبق آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۲ تعداد نیروی کار در جهان سه میلیارد و پانصد و پنجاه میلیون نفر برآورد شده که ۶۰ درصد آن در ده کشور نخست متمرکز است. به جز درصد ناچیز مدیران بالادستی و میانی و همچنین بخش اقشار و گروه‌های میانی، بخش عمده‌ی این نیروی کار فعال در شمار لایه‌های مختلف طبقه‌ی کارگر جهانی هستند و نقش مستقیم در تولید کالاها و تحقق کالاها و یا بازتولید نیروی کار جهانی دارند. برای توصیف چنین آماری از اصطلاح «کارگران جمعی» نیز استفاده می‌شود.

حجم بالای نیروی کار در کشورهایی مانند چین و هند، اگرچه در دهه‌های پیشین نقش مؤثری در پیشبرد اقتصادی به حساب نمی‌آمدند، با توسعه‌ی و تعمیق سرمایه‌داری در شرق و انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته‌تر در مسیری قرار گرفته‌اند که فاصله‌ی بهره‌وری از نیروی کار در شرق و غرب اقتصادی در مسیر کاهش مدام قرار دارد. لذا آنچه که وضعیت کنونی شاهد خواهیم بود نقش برجسته‌تر نیروی کار در ارزش‌افزایی سرمایه در مناسبات کنونی و آتی جهانی است.

ردیف	نام کشور	نیروی کار بر حسب نفر
۱	چین	781,808,300
۲	هند	554,145,130
۳	آمریکا	168,190,130
۴	اندونزی	138,099,490
۵	برزیل	108,750,810
۶	پاکستان	78,863,080
۷	بنگلادش	73,862,460
۸	روسیه	73,798,700
۹	نیجریه	73,389,350
۱۰	ژاپن	69,113,780
۱۱	اریتره	59,751,800
۱۲	مکزیک	58,718,430
۱۳	ویتنام	55,688,920
۱۴	فیلیپین	47,871,820
۱۵	آلمان	44,198,110
۱۶	تایلند	40,907,650

34,812,160	ج.د. کنگو	۱۷
34,630,320	ترکیه	۱۸
34,376,360	بریتانیا	۱۹
32,614,160	مصر	۲۰
31,616,940	فرانسه	۲۱
30,096,300	تانزانیا	۲۲
29,314,370	کره جنوبی	۲۳
28,641,410	ایران	۲۴
25,770,910	کلمبیا	۲۵
25,342,470	ایتالیا	۲۶
24,750,310	کنیا	۲۷
24,366,740	آفریقای جنوبی	۲۸
23,687,270	اسپانیا	۲۹
22,526,660	میانمار	۳۰
21,511,130	آرژانتین	۳۱
21,362,740	کانادا	۳۲
20,299,620	اوکراین	۳۳
18,300,940	لهستان	۳۴
18,268,450	پرو	۳۵
18,242,780	اوگاندا	۳۶
17,129,370	مالزی	۳۷
16,617,140	عربستان سعودی	۳۸
15,772,130	کره شمالی	۳۹
15,363,210	ماداگاسکار	۴۰

در جداول زیر نیز علاوه بر این که توزیع نیروی کار در مراکز و بنگاه‌های اقتصادی در کشورهای مختلف نشان داده شده‌اند، این نیز بارز داده شده است که بیشتر نیروی کار در مراکز بزرگ بالای ۲۵۰ نفر مشغول به کارند و این نشان می‌دهد که قانون تراکم و تمرکز نیروی کار، مثل ایران، در تمام جوامع سرمایه‌داری جهان حاکم است. این تراکم و تمرکز سرمایه، تراکم و تمرکز نیروی کار نیز هست و بدین وسیله پایه‌ی مادی اتحاد و انسجام طبقه‌ی کارگر را نشان می‌دهد.

تعداد بنگاه‌ها به تفکیک اندازه و بخش‌های اقتصادی<sup>۱</sup> در کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۴ (یا آخرین آمار در دسترس)

کشور	صنعت (۱۰-۲۳)				خدمات (۴۵-۸۲)				ساختمان (۴۱-۴۳)			
	۱-۹	۱۰-۴۹	۵۰-۲۴۹	۲۵۰ <sup>+</sup>	۱-۹	۱۰-۴۹	۵۰-۲۴۹	۲۵۰ <sup>+</sup>	۱-۹	۱۰-۴۹	۵۰-۲۴۹	۲۵۰ <sup>+</sup>
کانادا	۳۷,۸۸۷	۱۶,۰۳۲	۵,۵۳۵	۱,۲۲۶	۳۲۲,۸۵۷	۱۳۳,۱۷۶	۲۶,۵۱۶	۲,۳۳۳	۱۱۳,۱۹۵	۲۲,۸۹۲	۳,۶۰۵	۵۵۳
فرانسه	۲۰۵,۸۷۶	۲۲,۳۱۵	۵,۵۳۵	۱,۳۵۷	۳,۱۹۴,۶۵۶	۷۳,۷۵۷	۱۱,۹۰۱	۲,۳۵۵	۵۵۳,۴۴۲	۲۰,۵۷۵	۱,۶۸۷	۲۲۹
آلمان	۱۳۸,۳۴۶	۵۲,۳۲۰	۱۶,۲۸۴	۴,۲۵۲	۱,۶۵۰,۶۵۱	۲۳۳,۶۱۰	۳۴,۶۹۰	۶,۲۰۵	۲۸۲,۵۷۰	۵۲,۳۱۵	۳,۴۱۷	۲۳۳
روژیم‌اشغالگرقدس	۱۹,۲۸۷	۳,۲۷۰	۱,۰۶۱	۱۹۱	۳۲۲,۶۹۹	۲۰,۰۸۴	۳,۴۳۷	۶۳۹	۵۲,۳۹۰	۳,۸۵۴	۳۷۵	۲۱
ایتالیا	۳۳۸,۴۸۶	۵۸,۳۹۰	۸,۳۳۹	۱,۱۹۷	۲,۶۴۹,۳۵۵	۸۳,۲۲۱	۸,۵۱۲	۱,۶۳۹	۵۰۹,۶۴۸	۱۸,۳۲۵	۱,۰۲۱	۷۹
ژاپن	۳۱۵,۶۶۹	۷۷,۰۹۶	۲۱,۵۹۱	۳,۵۷۶	۱,۸۴۵,۶۹۰	۲۰۲,۱۱۱	۳۹,۸۷۸	۶,۸۳۶	۳۹۷,۸۶۱	۵۲,۰۷۹	۴,۸۲۷	۵۵۵
کره جنوبی	۳۳۸,۵۰۵	۵۷,۸۱۰	۱۰,۱۵۵	۷۰۱	۲,۳۲۱,۳۷۷	۱۱۱,۸۰۳	۱۵,۵۲۲	۱,۳۸۶	۱۰۶,۵۳۹	۱۹,۰۹۷	۲,۳۵۲	۲۲۶
روسیه	۱۴۶,۳۵۵	۴۸,۱۰۳	۱۶,۰۶۱	۴,۳۳۸	۱,۲۳۸,۶۷۲	۲۰۶,۳۴۱	۳۸,۹۱۸	۴,۳۴۴	۱۹۶,۹۸۳	۳۷,۱۰۵۶	۱۰,۱۵۶	۱,۱۰۵
ترکیه	۶۰۷,۱۸۰	۱۸,۰۷۶	۹,۳۸۴	۱,۷۸۳	۳,۸۱۵,۱۸۶	۳۸,۱۵,۱۸۶	۹,۹۶۰	۲,۰۶۴	۳۱۲,۳۵۰	۱۰,۰۲۸	۴,۵۵۳	۴۴۲
انگلستان	۹۵۸,۰۰۴	۲۲,۵۶۶	۶,۳۲۰	۱,۳۷۷	۱,۲۷۴,۳۴۶	۱۲۸,۶۱۹	۱۸,۶۴۰	۴,۳۹۹	۲۵۲,۳۷۷	۱۵,۸۷۶	۱,۸۲۲	۳۱۵
آمریکا	۲۲۸,۳۷۷	۸۲,۳۸۷	۲۲,۸۹۳	۵,۵۴۳	۲,۷۴۲,۷۱۷	۵۶۷,۸۰۳	۱۰۰,۳۱۳	۱۹,۷۳۲	۵۱۱,۷۲۲	۸۲,۷۵۶	۱۲,۳۷۵	۱,۳۵۳

منبع: Entrepreneurship at a Glance ۲۰۱۷

اشتغال به تفکیک اندازه بنگاه در کشورهای منتخب سال ۲۰۱۴ (یا آخرین آمار در دسترس)

کشور	۱-۹	۱۰-۴۹	۵۰-۲۴۹	۲۵۰ <sup>+</sup>	جمع
کانادا	۲,۳۸۱,۵۶۸	۱,۳۸۲,۱۰۳	۲,۳۲۰,۳۷۷	۴,۳۲۹,۶۴۱	۱۰,۵۱۳,۷۸۹
فرانسه	۴,۷۹۹,۱۶۹	۲,۷۷۹,۰۶۷	۲,۲۰۶,۰۲۵	۵,۶۷۲,۹۷۱	۱۵,۴۵۷,۲۳۲
آلمان	۵,۵۵۸,۵۸۳	۶,۴۳۱,۸۵۱	۵,۵۱۹,۹۹۴	۱۰,۳۳۱,۹۸۱	۲۷,۷۲۹,۴۰۹
روژیم‌اشغالگرقدس	۳۵۸,۰۶۹	۵۲۶,۹۱۵	۴۶۹,۳۳۲	۸۱۳,۵۲۲	۲,۲۷۷,۸۳۸
ایتالیا	۶,۴۶۹,۹۹۱	۲,۸۸۷,۹۷۸	۱,۷۹۹,۶۶۷	۲,۹۵۱,۲۶۳	۱۴,۱۰۸,۸۹۹
ژاپن	۴,۰۷۰,۱۳۶	۶,۶۹۶,۷۸۳	۷,۳۹۷,۷۴۰	۱,۶۶۳,۰۳۵	۲۵,۲۲۷,۶۹۴
کره جنوبی	۶,۵۲۸,۶۱۳	۳,۶۸۰,۲۵۷	۲,۹۰۲,۰۱۸	۱,۹۲۳,۵۹۷	۱۵,۰۲۶,۴۸۵
روسیه	۲۵۵,۸۲۷	۱,۳۵۶,۰۶۲	۴,۵۸۸,۱۶۶	۱۲,۳۶۶,۱۶۲	۱۸,۴۶۶,۲۱۷
ترکیه	۵,۰۹۷,۸۸۵	۱,۶۸۹,۹۴۱	۲,۴۴۹,۰۱۷	۳,۳۵۵,۱۱۳	۱۲,۴۸۱,۹۵۶
انگلستان	۳,۲۰۱,۴۵۹	۳,۵۶۷,۴۱۴	۲,۹۲۰,۳۵۲	۸,۶۵۴,۷۵۰	۱۸,۴۴۳,۹۷۵
آمریکا	۹,۲۳۵,۸۸۸	۱۴,۹۶۷,۳۴۴	۱۳,۲۰۵,۷۹۶	۵۲,۳۵۰,۱۹۲	۹۰,۷۶۹,۲۴۰

ماخذ: Entrepreneurship at a Glance ۲۰۱۷

میانگین اشتغال به تفکیک اندازه بنگاه و بخش‌های اقتصادی در کشورهای منتخب

سال ۲۰۱۴ (یا آخرین آمار در دسترس)

کشور	صنعت				خدمات				ساختمان			
	۱-۹	۱۰-۴۹	۵۰-۲۴۹	۲۵۰ <sup>+</sup>	۱-۹	۱۰-۴۹	۵۰-۲۴۹	۲۵۰ <sup>+</sup>	۱-۹	۱۰-۴۹	۵۰-۲۴۹	۲۵۰ <sup>+</sup>
فرانسه	۲	۲۴	۱۱۷	۱,۰۱۰	۲	۲۴	۱۱۵	۱,۴۹۲	۳	۲۱	۹۹	۱,۶۵۲
آلمان	۴	۲۰	۱۰۷	۹۲۰	۳	۱۹	۹۶	۹۵۳	۳	۱۷	۸۷	۵۸۵
روژیم‌اشغالگرقدس	۲	۲۱	۱۰۱	۷۵۷	۱	۲۰	۹۶	۹۸۸	۲	۱۸	۸۶	۴۵۳
ایتالیا	۳	۱۹	۹۷	۷۱۷	۲	۱۷	۹۸	۱,۱۵۴	۲	۱۷	۸۷	۶۰۷
ژاپن	۲	۲۱	۱۰۷	۱,۴۳۳	۲	۲۰	۱۰۷	۱,۳۱۴	۲	۱۸	۹۵	۱,۰۳۵
کره جنوبی	۳	۳۵	۹۹	۱,۰۴۸	۳	۲۷	۱۰۲	۷۲۵	۲	۲۸	۱۰۱	۶۶۸
ترکیه	-	-	-	۶۷۵	-	-	۱۰۰	۸۶۵	-	-	۹۵	۴۵۳
انگلستان	۲	۲۳	۱۱۱	۷۶۴	۲	۲۱	۱۰۷	۱,۶۴۲	۲	۲۳	۱۰۷	۹۰۷
آمریکا	۳	۲۱	۱۰۱	۱,۵۰۱	۳	۲۰	۹۶	۲,۱۵۰	۳	۲۰	۹۳	۹۰۳

ماخذ: Entrepreneurship at a Glance ۲۰۱۷

آشکار است که شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری در واقع چیزی نیست جز تقسیم جامعه به دو طبقه‌ی اصلی که در یک سمت طبقه‌ی کارگر صاحب نیروی کار قرار دارد و در طرف دیگر طبقه‌ی سرمایه‌دار صاحب سرمایه و ابزار تولید. در این شیوه‌ی تولید طبقه‌ی کار و متحدین زحمت‌کشش به نفع طبقه‌ی سرمایه‌دار استثمار می‌شوند و از آن‌جا که ابزار تولید تحت مالکیت خصوصی سرمایه‌داران است، لذا ماحصل کارشان نیز به نفع طبقه‌ی صاحب سرمایه ثبت و ضبط می‌شود و این روال تا به ابد ادامه خواهد داشت اگر که طبقات تحت استثمار و بهره‌کشی دست به عمل طبقاتی نزنند.

نمودارها و جداول فوق نشان می‌دهند که در جهان و ایران سرمایه‌داری مسلط است و تضاد کارمزدی و سرمایه در آنها ساری و جاری. تمامی تصمیمات کلان در جوامع مختلف سرمایه‌دارانه توسط احزاب سرمایه‌داران و دولت‌ها دارد به نفع سرمایه‌داران اخذ می‌شود و تمامی فقر و دهشت و جنگ و بحران و رکود اقتصادی و سایر پلیدی‌هایی که می‌بینیم از این شیوه‌ی تولید نشأت گرفته‌اند، شیوه‌ی تولیدی که هدفش انباشت سود و نه رفع نیازها و تنظیم جامعه برای توسعه‌ی قوای خلاقه‌ی افراد و بروز این قوا، است.

بنابراین راه یکی‌ست و آن پیش‌برد مبارزه‌ی طبقاتی برآمده از تضاد کارمزدی و سرمایه است. این مبارزه از راه متحد کردن طبقات کارگر از سطوح محلی تا ملی و منطقه‌ای و جهانی و به‌وسیله‌ی تشکیل نیروی سیاسی طبقه‌ی کارگر پیش می‌رود. تاریخ این مبارزه نشان داده است که در زمانی که تعمیق مناسبات سرمایه‌داری در جوامع و گسترش جغرافیایی آن در جهان از اندازه‌ی فعلی بسیار کم‌تر بود، طبقه‌ی کارگر و متحدین زحمت‌کشش به پیروزی‌های بزرگی نایل آمده‌اند و در زمانه‌ی فعلی، اگر که مسیر را درست شناسایی کنیم و عزم طبقاتی و مبارزاتی خود را بالفعل نماییم، پیروزی‌هایی بسی بزرگ‌تر و شگرف‌تر در انتظار ما خواهند بود تا در آغوششان کشیم.

مبارزه‌ی طبقاتی یک مسیر طولانی و با فراز و فرودهای بسیار است که از دو قرن پیش شروع شده است و با پیروزی‌ها و شکست‌های طبقه‌ی کارگر نشانه‌گذاری شده است. این مبارزه یک فرآیند شگرف و ژرف است که نیروهای خود را لایه‌های عمیق ساختار جامعه‌ی سرمایه‌داری می‌گیرد و نهایت آن جدایی کامل از شیوه‌ی زیست و تمدن طبقاتی و ورود عصر تمدن نوین بی‌طبقه است که اصل اساسی آن و حرام اکبر آن استثمار فرد از فرد است. در این تمدن اولویت با جامعه است و به این دلیل، در این تمدن است که فرد از شرایط مساعد کافی برای آزاد کردن و توانمند ساختن قوای خلاقه‌اش بهره‌مند خواهد شد.